فهرست مطالب

[موضوع: اصول / عام و خاص / عام بعد از تخصیص به مجمل 2](#_Toc451329235)

[**اشاره** 2](#_Toc451329236)

[تمسک به عام بعد از تخصیص به مجمل 2](#_Toc451329237)

[نکته 2](#_Toc451329238)

[شبهه مفهومیه 2](#_Toc451329239)

[شبهه مصداقیه 3](#_Toc451329240)

[اقسام مفهوم اجمالی 3](#_Toc451329241)

بسم الله الرحمن الرحيم

## موضوع: اصول / عام و خاص / عام بعد از تخصیص به مجمل

# **اشاره**

بحثی که تا اینجا در عام و خاص داشتیم:

1ـ بحث در تعریف عام و خاص بود،

2ـ بحث در ادوات عام بود،

3ـ عام بعد از تخصیص بود.

## تمسک به عام بعد از تخصیص به مجمل

بحث چهارم در تمسک به عام بعد از تخصیص به مجمل است، آیا می‌شود به عام بعدازاینکه به خاص مجمل (خاصی که اجمال مفهومی دارد) تخصیص خورد تمسک کرد؟ ، به‌عبارت‌دیگر سؤال این است که؛ آیا اجمال خاص سرایت به عام می‌کند یا نمی‌کند؟ اگر اجمال خاص سرایت به عام کرد «لا یجوز التمسک بالعام»، اگر سرایت نکرد، می‌شود به عام تمسک کرد.

### نکته

نکته مقدماتی این است که شبهه در شمول دلیل نسبت به یک مورد، حداقل در دو قسم داریم؛

1ـ شبهه مفهومیه 2ـ شبهه مصداقیه بحث ما در اینجا در شبهه‌های مفهومیه و اجمال در مفهوم است، در مقابل شبهه‌های مصداقیه که بعداً بحث می‌شود.

## شبهه مفهومیه

شبهه مفهومیه این است که؛ نمی‌دانیم مثلاً مفهوم فاسق شامل مرتکب کبیره است یا اعم از مرتکب کبیره و صغیره است، لذا چون مفهوم ابهام دارد، وضع و لغت مشکل دارد، نمی‌دانیم که این مفهوم را می‌گیرد یا نمی‌گیرد.

یا مثلاً نمی‌دانیم که قمار وضع‌شده برای بازی با آلات قمار و با بردوباخت یا اینکه وضع‌شده برای بازی با آلات قمار ولو قمار نباشد یا وضع‌شده برای آن بازی که در آن بازی بردوباخت باشد ولو آلات نباشد یا اینکه وضع‌شده برای بازی که یا آلات یا بردوباخت باشد، یا اینکه بازی با غیر آلات قمار هست، اما بردوباخت دارد و نمی‌داند قمار هست یا نیست.

این ابهام در مفهوم قمار موجب می‌شود که؛ بازی که با آلات قمار انجام می‌شود، اما بردوباخت ندارد، دچار شبهه

گردد و این شبهه، شمول دلیلی است که ناشی از شبهه مفهومیه است.

## شبهه مصداقیه

در شبهه مصداقیه، در وضع و لغت و دلیل و مفهوم شک و شبهه‌ای نیست، می‌گوید:«اکرم العالم»، عالم هم می‌دانیم به چه معنا هست، اما نمی‌دانیم این فرد درس‌خوانده هم عالم هست یا عالم نیست.

گفته‌شده «اجتنبوا الخمر» شک ندارد که خمر حرام است، اما نمی‌داند که آیا این مایع خمر هست یا نیست.

در شبهه مفهومیه شک در وضع، مفاد لغت یا مفاد کلام با قرائن ابهام دارد، یا شک در وضع دارد یا در قرینیت بر مجاز شک دارد که نمی‌تواند تشخیص بدهد، شکی در وضع یا استعمال یا اراده جدیه دارد و اصل و قاعده‌ای هم نیست که رفع شک بکند، به‌عبارت‌دیگر، خاصی داریم که اجمال مفهومی دارد.

گفته است:«اکرم العالم» بعد گفته است«لا تکرم العالم الفاسق»، در مفهوم فاسق مردد است بین اینکه فقط مرتکب کبیره را شامل می‌شود یا اعم از مرتکب کبیره و صغیره را شامل می‌شود، بحث ما در اینجا، شبهه مفهومیه در خاص است.

امکان دارد شبهه مفهومیه؛ در عام باشد؛ وقتی گفته می‌شود «اکرم العالم»، نمی‌دانیم که منظور از عالم، عالمی هست که همه‌چیز را می‌داند یا به عالمی که مسائل محدود می‌داند هم عالم گفته می‌شود، بحث ما در این کلام نیست، اما زمانی که بعد می‌گوید«لا تکرم العالم الفاسق»، این مورد داخل در بحث ما هست، برای اینکه راجع به بحث شبهه مفهومیه خاص هست و اینکه آیا این اجمال خاص به عام سرایت می‌کند یا نمی‌کند؟

## اقسام مفهوم اجمالی

اجمال مفهومی دو قسم است:

1ـ اجمال به نحو تباین مثل اکرم العلماء بعد گفته است لا تکرم زیداً، می‌دانیم زید را گفته است اکرام نکن، اما چند زید داریم، نمی‌دانیم که کدام زید مراد است.

2ـ اجمال به نحو اقل و اکثر مثل فاسق، فاسق مردد است بین دو معنا، یکی اینکه مقصود فقط فردی است که مرتکب کبائر هست یا اعم از مرتکب کبیره و صغیره هست.

گاهی مشترک لفظی داریم که امرش دائر بین اقل و اکثر است و گاهی مشترک لفظی؛ امرش دائر بین متباین‌ها هست، به‌طور مثال نمی‌دانیم عین وضع‌شده برای خورشید یا چشمه آب، نمی‌دانیم مراد کدام است، یا به‌طور مثال در مورد قمار نمی‌دانیم که وضع‌شده برای آلات قمار و همراه با بردوباخت که قدر متیقنش همین هست یا اینک دائره‌اش وسیع‌تر است.

بحث ما هم شامل اجمال به تباین و هم اجمال اقل و اکثر می‌شود، همان‌طور که بحث ما شامل مخصص متصل و هم شامل مخصص منفصل می‌شود که درنتیجه این مقدمات، چهار قسم داریم:

1ـ مخصص متصل است و اجمال مفهومی به نحو اقل و اکثر دارد، به‌طور مثال: اکرم العلماء الا الفساق منهم، مخصص متصل هست و فاسق هم دائر بین اقل و اکثر است.

2ـ مخصص متصل اما اجمال بین متباینین هست، به‌طور مثال گفته‌شده :« اکرم العلماء الا زیداً » نمی‌دانیم منظورش کدام زید هست.

3ـ مخصص منفصلی که مردد بین اقل و اکثر است، مثل اکرم العلماء و یک دلیل مستقلی بعد از ده سال بگوید لا تکرم العالم الفاسق و فاسق هم مردد بین اقل و اکثر است.

4ـ مخصص منفصلی هست که ترددش بین متباینین هست، به‌طور مثال گفته است: اکرم العلماء بعد منفصلاً گفته‌شده لا تکرم زیداً و زید هم مردد بین چند نفر است.

آنچه که مرحوم صاحب کفایه می‌فرمایند در ارتباط با سؤالی است که آیا اجمال خاص به عام سرایت می‌کند یا نمی‌کند؟ به‌عبارت‌دیگر آیا می‌شود به عام در موارد مشکوک تمسک کرد یا نه؟ که انشاءالله فردا به جواب مرحوم آخوند می‌پردازیم.